

حقیقت

شماره ۲۸ - ۴ تیر ۱۳۵۹

توطئه گری آیت- حزب جمهوری اسلامی و موش و گربه بازی بنی صدر!

آیت تئوریسین حزب جمهوری اسلامی، معاون بقائی آمریکایی و مدافع کودتای ننگین ۲۸ مرداد!

مشغول بوده، سرخ بسیاری از توطئه ها را در دست دارند و از شاخه های متعدد نظامی، سیاسی و تشکیلاتی با شعبی در شهرستانها برخوردار است و میکوشد تا گام به گام بمیل سوم خود جا مه عمل پویا کند. بقیه در صفحه ۳

انتشار متن نوارهای توطئه آمیز آیت، یکی از رهبران حزب جمهوری اسلامی و از اعضاء موسس آن برعلیه بنی صدر در روزنامه های عصر تهران گوشه ای از اختلافات موجود در میان جناح های ثونا کون محافل حاکمه را در برابر همه مردم آشکار ساخت و نشان داد که زیر پرده "وحدت" این آقایان چه می گذرد و چه نقشه هایی که بر علیه یکدیگر نمیکشند. آیت در این دو نوار، که مطمئنا مشتی از خروار است، از موجودیت یک گروه مخفی توطئه گر خبر میدهد که به سازماندهی

شوراها

کارگری

تحت حمله
بالاترین مراجع دو-
لتی "اتحادیه سراسری
شوراها" اسلامی
انقلابی سازمان گستر
و نو سازی صنایع را
'منحل' اعلام کردند!!

سردمداران سازمان گسترش و نو سازی صنایع و بطور مشخص مدیر عامل آن، صدر، که دشمنی خود را با کارگران و تشکیلاتهای کارگری نشان داده بود، دست به توطئه دیگری زدند و "رسم" اتحادیه سراسری شوراها را انقلابی اسلامی کارخانجات و شرکتهای وابسته به سازمان گسترش را منحل اعلام نمودند. بقیه در صفحه ۶

محمد رضا جمالی

دیروز ما مور ساواک
امروز ما مور گروه ضربت
کمیته صفحه ۷

بررسی انشعاب در سازمان فدائیان

بخش یک صفحه ۲

بررسی انشعاب

(۱) درسازمان فدائیان

نسبت به ظهور رویزیونیسم مدرن خروشچی، احزاب پیرو خط مشی رویزیونیستی شوروی از عرصه مبارزه انقلابی کنار کشیدند و راه سازش طبقاتی را پیشه کردند. خیانت تاریخی خروشچف و شرکاشن خلاف بزرگی را در جنبش بین المللی و جنبش های آزادیبخش جهان بی وجود آورد و در گرجا حزابی چون حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی کوشیدند تا با ادامه راه لنین و استالین، این فریب را دفع نمایند. لکن در میان نیروهای خرد بورژوازی و روشنفکران انقلابی در بسیاری از کشورها (بویژه آمریکای لاتین) خط مشی شکل گرفت که با طرز رفرمیسم و زشکاری، تئوری راهنمای مارکسیسم-لنینیسم را نیز کنار گذاشت و با عکس العملی چپ روانه نسبت به این گرایش تاریخی رویزیونیستی، در عمل به بسیاری از بنیادهای فکری کمونیستی نیز پشت کرد. ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم کنار گذاشته شد و به جای یک ایدئولوژی التقاطی جایگزین شد که به "کاستریسم" یا خط مشی چریکی شهری دانست. مبارزه مسلحانه جدا از توده و تحمیل اراده خود به تاریخ، وجه خاص این خط در عمل بود و از لحاظ ایدئولوژیک نیز مجموعه ای از یک التقاط خرد بورژوازی چپ را نما بیندگی مینمود. این قبیل تجمعات که مبنای محکمی ندارند محکوم به تجزیه و از هم پاشیدگی تاریخی اند و بهیچ وجه در صحنه

این منبع و راهنما کنار گذاشته شد، راه برای تاخت و تاز انواع و اقسام تئوری ها و نظرات اپورتونیستی و رویزیونیستی و ترسکیستی و سایر روشن های این مکاتب انحرافی و ضد مارکسیستی باز میشود. آنها شی که حساب خود را از مارکسیسم-لنینیسم جدا کرده اند، از یک انحراف به انحراف دیگر در میغلطند و پاسخ هر خطای را در خطای دیگری جستجو مینمایند. آنها با میدیافتن شاهراه، از این کوره راه به کوره راه دیگری روند و مشکل میتوانند از این کشاکش انحرافی خود را خارج سازند. این تصویر بسرای "سازمان چریکهای فدائشی خلق" که از آغاز بنیاد مکتبی آن بر پایه درستی استوار نبوده است بویژه صادق میباشد. خط مشی چریکی شهری همانطور که پیشتر نیز یاد آور شد، یک التقاط و انحراف از مارکسیسم-لنینیسم بود و هست. این خط از آنجا شیکه مبنای وحدت سازمانی را که در خط مشی ایدئولوژیک و تئوریک سیاسی، بلکه در وحدت نظر در عملیات چریکی شهری می دانست، از همان آغاز کار تجمیع انواع و اقسام گرایشات گوناگونی بود که زیر لوای یک تاکتیک واحد گرد آمده بودند و در نتیجه جای هیچ شکی نبود که از درون چنین تجمعی انواع و اقسام انحرافات رنگارنگ سر بر آورند. خط مشی چریکی شهری که پایه گذارش را با ایدئولوژی و جنگلهای بولیوی جستجو کرد، خود عکس العملی بود

در سازمان چریک های فدائشی خلق" انشعابی میان اکثریت و اقلیت رخ داده است. اکثریت برای عقیده است که "اقلیت" نمی خواسته اند از "بینش و نظرات گذشته سازمان" ببرد و تحول این "بینش و نظرات" دست به انشعاب زده اند و به نظریات "اپورتونیسم چپ و آوانتور" رسم انقلابی" دل بسته اند. "اقلیت" برای این عقیده است که مسی غالب بر "اکثریت" و یا "کمیت مرکزی سازمان" (اپورتونیسم راست" بوده و اساس اختلافات برگردا رزیابی از ترکیب و ماهیت طبقاتی دولت" و چگونگی برخورد به آن دور میزند و مسالهربطی به نظرات گذشته فدائیان ندارد. این انشعاب در سازمان فدائیان، اولین انشعاب نیست. قبل از قیام بهمن ۵۷ گروهی زیر عنوان گسروه منشعب از چریکهای فدائشی خلق به هواداری از اردوستان حزب توده و رویزیونیسم و سیال امپریالیسم شوروی از این سازمان انشعاب کردند. بعد از قیام گروه دیگری از کادرها و اعضاء قدیمی تر فدائیان از موضعی "چپ" از فدائیان جدا شدند که به "گروه اشرف دهقانی" مشهور شده اند. پس از آن در جریاناتی چون تبریز و ترکمن صحرا نیز بخش های دیگری از اعضاء و هواداران فدائیان به این سازمان پشت کردند و مواضع "چپ" اتخاذ کردند. اینک بخش دیگری از این سازمان، با از سمت "چپ" دست به انشعاب زده و نام سازمان چریکهای فدائشی خلق را نیز برای خود حفظ کرده

است. این قبیل انشعابات و جدائی ها، که خود تبلور و انعکاسی از شرایط بحرانی جامعه ما در درون جنبش می باشد، جای تعجب ندارد و فهمیدنی است. جنبش چپ و کمونیستی ایران در مجموع خود در پاسخگویی به نیازهای مبرم سیاسی و تئوریک و تشکیلاتی انقلاب تا تمام مسالدرمانده است و از انحرافات گوناگون "چپ" و راست رنج میبرد و در ادامه این انحرافات با فشاری میوزد. ترسکیب روشنفکری این جنبش و جدائی و عدم پیوندش به طبقه کارگر از لحاظ عینیتی و آشننگی تئوریک و مکتبی موجود در جنبش کمونیستی ایران و سر تا سر جهان که از جمله ناشی از خیانت های تاریخی دا اردوستان خروشچف در جین میباشد بعنوان یکی از عوامل ذهنی، و بالآخره جوانی جنبش کمونیستی ما، از جمله عواملی هستند که به این درماندگی کمک کرده و آنرا دیرپا ساخته اند. برخی از گروه ها و سازمان های جنبش ما به منبع اصلی ایدئولوژیک-تئوریک خود، یعنی مارکسیسم-لنینیسم خلاق و دستاوردهای تاریخی رفیق ما توتسه دون پشت کرده، راه حل را در مکاتب "مستقل" و من درآوردی دیگری جستجو میکنند و نمیخواهند چشمان خود را برو واقعیات باز کنند و از این مشعل فروزان در روشن کردن راه پرپیچ و خم نکشای انقلاب ایران استفاده برند. وقتی

فل حا کمه، یعنی بین آنها ٹیکه "لیبرالها" لقب گرفته اند و آنها ٹیکه اصطلاحاً "انحصار طلبان" نام گرفته اند و وجود داشته و کما

توطئه گری آیت - حزب جمهوری اسلامی

کان موجود است، این اختلافات گاه شکل علنی بخود می گیرد و شما بیندگانی از دو طرف به یکدیگر حمله میکنند و گاه نیز پس پرده رفته، ظاهری متحد، لاکن گذرا، بخود می گیرد. این اختلافات که خود بیانگرنا همگونی طبقاتی، محافل حا کمه و انعکاس سیاسی این نا همگونی است، میان دسته بندی بورژوازی لیبرال (از نهضت آزادی گرفته تا بنی صدر) از یکسو و حزب جمهوری اسلامی بسورژوازی دلال صفت و ملاکسان همراه آنان (بویژه بانسند بهشتی - آیت) از سوی دیگر موجود بوده، بر سر مسائل گوناگون شکل میگیرد.

با ندحا کمبر "حزب جمهوری اسلامی" پیشینیه و سابق سیاسی سیاهی دارد و از گذشته شان به خوبی می توان جایگاه فعلی و آینده شان را دریافت، آنها از لحاظ سیاسی ادا مه دهند و همان جریانات کاشانی چپی و "حزب زحمتکشان" مظفر بقاشی در سالهای ۲۲ - ۲۹ می باشند، این جریانات در کودتای ۲۸ مرداد با کودتا چپان و امپریالیسم آمریکا بر علیه حکومت مصدق و نهضت ملی ایران همدستی و همکار ری داشتند و دست در دست آنها بر علیه نهضت برخاستند و سرنگونی حکومت مصدق و برقراری سلطه مجد در دست پهلوی را یاری رساندند.

این با ندتوطئه گری سیاه حتی آن نهادها شی را که "حزب جمهوری اسلامی" یا در اختیار دارد و یا در آنها از نفوذ بسیاری برخوردار است را نیز برای انجام توطئه های خویش مناسب و کافی نمیدانند و اعضا شان در این نهادها نیز چهره واقعی خویش را پوشیده نگه میدارند تا در موقع مقتضی دست بکار شوند و قدرت را به کف آورند.

بسیاری از مردم از آن چه در پشت پرده میگذرد بی خبرند و ملت نمیدانند که در جلسات "میثاق وحدت شورای انقلاب، در جلسات رهبری "حزب جمهوری اسلامی" و امثالهم چه گذشته و میگذرد و تنها از روی گوشه و کنایه های که میان اینان رد و بدل میشود میتوانند حدس هایی بزنند. آقای بنی صدر بیش از یکماه، "فرصت طلبان" را می کوبد و نهید می کند که اسمی شان را روخواهد کرد و بهشتی نیز در لابلای سخنرانی های شان - راتی به اختلافات با بنی صدر می نماید، قرار میگذارند که نخست وزیر را در عرض یک هفته معرفی کنند، لاکن به بهانه تشکیل مجلس شورا، از انجام آن سرباز میزنند و با ز مردم را با حرافی های تو خالی سرگرم میسازند.

حقیقت اینست که از آغا زروی کا رآمدن دولست بازرگان و حتی قبل از آن، اختلاف میان دودسته از مح

اینها جریاناتی مرتجع و خیانتکارند و ماده گی کا مثل دارند تا با ردیگر به نفع امیر - یا لیسم در یک کودتای سیاه شرکت ورزند، آیت امروز نیز با مظفر بقاشی (که فعلاً مصلحت را در این میبیند که در صحنه سیاسی جامعه از نظر رهنمان بماند) رفت و آمد و همدستی دارد و در منزل بقاشی تشکیل جلسه میدهد و از او کسب تکلیف مینماید. در زمان تا سیس "حزب جمهوری اسلامی" نیز همه اعضاء "حزب زحمتکشان" بقاشی بآن پیوستند و موسوعیت های حساسی را اشغال نمودند، بهشتی نیز از سابق بهتری برخوردار نیست و در همین جریان عمومی قرار دارد و با آن همدستی و همراهی می نماید. ما در گذشته پیشینیه سیاه بهشتی و امثال او را در همکار ی با رژیم پهلوی و ساواک افشاء کرده ایم و نشان داده ایم که او چه در زمانی که در ایران بود و در خدمت خانم فرخ روپار سا مدینه سرائسی دربار را می نمود و چه در زمانی که مسجد درباری ها بسورک را اداره میکرد، چه نقشی را ایفاء مینمود و چگونه بر علیه انقلاب توطئه میچید، از اینرو روشن است که در صدر "حزب جمهوری اسلامی" بانندی فاسد و توطئه گر جا گرفته که زیر لوی "جمهوری اسلامی" خیانت و دسیسه بر علیه انقلاب را پیش گرفت، عناصر و بخش هایی از آنها مطمئناً در ارتباط با امپریا - لیسم آمریکا و کودتا می باشند، آقای آیت، از اسلام و اسلامی بودن زیاد حرف میزند، اما همه این صحنه سازی ها مانع از آن نیست که دستورانش را از فرد مرنجعی چون مظفر بقاشی "ناسیونال سوسیالیست" در یافت کند و با راه او بفسد -

ها بین را به بیس ببرد. علیرغم اینکه طوری دعوی این جریانات در درون هیئت حا کمه کیست و چه مبادی رزه ای را دنبال میکنند، مردم ما باید مرز روشن میان خود و این دارودسته - های سیاه بکشند و آنها را از خود دور کنند و اجازه ندهند تا تعلقات و اعتقادات مذ - هبی شان باعث آن گردد که مشتی توطئه گر و مرتجع از آنها بسود توطئه ارتجاعی و ضد انقلابی استفاده برسد، آن دسته از جوانان مذهبی که در راه آرمان های خاص خویش، زیر پرچم این حزب قرار گرفته اند، باید بیدار شوند و ما هیئت واقعی گر - دانندگان اصلی این حزب را بشناسند. بدنبال افشاء متن این نوارها، امپریسان "حزب جمهوری اسلامی" در درجه اول ظاهر خود را از آیت جدا کردند، بهشتی گفت که سخنان فوق به او و "دوستان" اوربیطی ندارد، رفسجاشی نیز اظهار کرد که این مواضع، مربوط به خود آیت است و کمیسیون نیز بمظهور "نحسین" در اینباره ایجا کرده اند. حقیقت این است که آنچه افشاء شده، مخص آیت نیست و همه گر - دانندگان اصلی "حزب جمهوری اسلامی" در آن شریکت و همراهی دارند، اینکه آنان آیت را از حزب جدا کرده اند، بمعنی آنست که میخواهند در بدترین حالتش یک نفر را برای نجات حزب قربانی سازند و چنین عنوان سازند که این احضلاف، اختلاف "شخصی" بوده و "مصلحت" نیست که مسائل "شخصی" بمیان کشیده شود و بدین ترتیب ارروی او - معیت جریان بگذرد. رما سیکه بنی صدر اظهار میکند که مواضع سگ نفر را مواضع یک حرب بنده در صحت ۸

بررسی انشعاب در...

نیسم و مارکسیسم،
سانترالیسم (منتهی
خواهد گردید) (" کمو -
نیست " ، نشریه تئو -
ریک - سیا سی
اتحادیه کمونیستهای

جریان چریکی نیز چنین شد،
کرنش چریکهای فدائی خلق
به رویزیونیسم و دارودسته
حزب توده در سال ۱۳۵۵ آغاز
شد و این درست همزمان است
با تغییر تاکتیک حزب توده و
علم کردن شعار " سرنگونی
سلطنت " از جانب این ریا -
کاران و با اصطلاح " رادیکال "
شدن آنها و همزمان نیز هست
با شکل گیری نظرات راست -
روانه شهید جزینی . در آغاز
چریکها گفتند که اختلاف میان
چین و شوروی با آنها مربوط
نیست و آنها " مستقل " از این
" قطب ها " هستند و حزب توده را
نیز یک حزب " فرمیت " نام -
میدند و علامت آمادگی کردند
که چنانکه توده ای ها سلاح
بدست گیرند ، حاضر به همکاری
با آنها هستند ، ما در همان
زمان درباره این گردش و
و گرایش خطرناک نوشتیم :

ایران - دوره ۲ - شماره ۱ -
بهمن ۵۵ - مقاله " گرایشی
به عقب " . سازمان چریکهای
فدائی خلق متاسفانه همان
طوریکه بیم آن میرفت " در
بستر شکست مشی سیاسی و
سازمانی " خود ، بتدریج به
تثویز کردن این انحراف
و تمایل خطرناک و گسترش آن
ادامه دادند و خوبیشتر را به
ورطه هولناکی انداختند ،
شکست مشی چریکی شهری راه
راه برای رشد و انحراف یکی
براست و دیگری به چپ هموار
ساخت که در بهترین حالتش
در " اکثریت " سازمان و گروه
اشراف دهقانی نمود خود را
یافته است ، این تجزیه در
شرایط عدم وجود یک قطب قوی
مارکسیستی - لنینیستی و
بویژه فقدان حزب طبقه کار -
گر ، قابل فهم و قابل انتظار
بود و هست ، از نظرات شهید
مسعودا حمدزاده تا شهید بیژن
جزینی ، جدائی بخش رویزیو -
نیست تا بخش " چپ " ، نوسا -
نات پاندولی از این سیاست
تا آن سیاست ، نمونه های از
این فعل و انفعالات میباشند ،
آنچه اینک در سازمان فدا -
ثیان رخ داده است ، ادامه
همان روند گذشته و عکس -
العملی است نسبت به گردش
به راست غالب بر سازمان
چریکهای فدائی خلق ، آنها -
ئی که بر علیه پورتونیسم
راست فدا ثیان برخاسته اند
خود به پورتونیسم چپ مبتلا
میباشند و از یک انحراف به
دامان انحراف دیگری در -

غلطیده اند .

درباره این انشعاب
چند نکته گفتن دارد ، اول آن
که این انشعاب پیرامون
اصلی ترین انحراف سازمان
فدا ثیان ، یعنی تسلیم در
برابری رویزیونیسم و سوسیال
امپریالیسم شوروی و هواداری
از این ابر قدرت امپریالیستی
نبوده است ، آنها ئی که از
" ضرورت پافشاری بر اصول
مارکسیسم - لنینیسم " حرف
میزنند و هر یک حرکت خود را در
" دفاع " از این " اصول " جایز
میدانند ، خوبست به یکی از
مهمترین معیارهای
مارکسیسم - لنینیسم ، یعنی
مرز بندی با کسانی که به این
مکتب و طبقه کارگر خیانت
کرده ، اولین کشور سوسیالیستی
جهان را به منجلا ب سرما یه دا -
ری رویزیونیسم گشایند
توجه کنند و اگر مدعی
مارکسیست - لنینیست بودن
هستند ، قبل از هر چیز ، قبل از
آنکه موضع خود را درباره
" خرده بورژوازی " و " امپریالیسم
روشن گردانند ، حساب خود را
از بورژوازی امپریالیستی
حاکم در شوروی جدا نمایند و
صف خود را از رویزیونیسم و
سوسیال امپریالیسم متمایز
سازند تا بشود بر پایه
کیستی - لنینیستی وارد
مباحثه شد ، همین جا نیز باید
افزافه کنیم که آن سازمان ها -
ئی که از این انشعاب بعنوان
" پیروزی جناح مارکسیست -
لنینیست " (پیکار ۵۸) یاد
مینمایند باید توجه کنند که
مارکسیسم - لنینیسم لباس
گشادی نیست که به تن هر کسی
برود ، شما با این تملق گوئی
ها و پیام های تبریکتان ،
مارکسیسم - لنینیسم را به لوث
میکشید و به آشفته بازاری رقیبی
دامن میزنید ، اینکه در این
انشعاب حرفی هم درباره اصلی
ترین انحراف سازمان فدا -
ثیان زده نمی شود ، خود بهترین

گواه این مدعا ست که طرفین
این انشعاب هیچ یک از موا -
ضع درستی برخوردار نمی -
باشند و هر دو در این زمین -
ه پایشان سخت میلنگد و از این
رو نمیتوانند پشتیبانی کمو -
نیست های راستین را بر -
انگیزانند ، اینکه ایندو بر -
از این ابر قدرت امپریالیستی
نبوده است ، آنها ئی که از
" ضرورت پافشاری بر اصول
مارکسیسم - لنینیسم " حرف
میزنند و هر یک حرکت خود را در
" دفاع " از این " اصول " جایز
میدانند ، خوبست به یکی از
مهمترین معیارهای
مارکسیسم - لنینیسم ، یعنی
مرز بندی با کسانی که به این
مکتب و طبقه کارگر خیانت
کرده ، اولین کشور سوسیالیستی
جهان را به منجلا ب سرما یه دا -
ری رویزیونیسم گشایند
توجه کنند و اگر مدعی
مارکسیست - لنینیست بودن
هستند ، قبل از هر چیز ، قبل از
آنکه موضع خود را درباره
" خرده بورژوازی " و " امپریالیسم
روشن گردانند ، حساب خود را
از بورژوازی امپریالیستی
حاکم در شوروی جدا نمایند و
صف خود را از رویزیونیسم و
سوسیال امپریالیسم متمایز
سازند تا بشود بر پایه
کیستی - لنینیستی وارد
مباحثه شد ، همین جا نیز باید
افزافه کنیم که آن سازمان ها -
ئی که از این انشعاب بعنوان
" پیروزی جناح مارکسیست -
لنینیست " (پیکار ۵۸) یاد
مینمایند باید توجه کنند که
مارکسیسم - لنینیسم لباس
گشادی نیست که به تن هر کسی
برود ، شما با این تملق گوئی
ها و پیام های تبریکتان ،
مارکسیسم - لنینیسم را به لوث
میکشید و به آشفته بازاری رقیبی
دامن میزنید ، اینکه در این
انشعاب حرفی هم درباره اصلی
ترین انحراف سازمان فدا -
ثیان زده نمی شود ، خود بهترین

اختلاف باشد ،
البته علیرغم اینکه
هیچ یک از این دو درباره
این مسأله موضعی درست
ندانند ، لکن تفاوتهای نیز
در میان نشان موجود است که
میتوانند سرآغازی بردستیا -
بی بخش " اقلیت " به مواضع
انقلابی در برابر سوسیال
امپریالیسم شوروی باشد ، از
نتایج این انشعاب یکی هم
اینست که برشتاب بخشش
" اکثریت " بسوی شوروی
و حزب توده افزوده خواهد شد و
این انشعاب علیرغم آنکه به
گرداین مسأله صورت نگرقت
لاکن بی ارتباط با آن نیز
نیست و خود بیا نگر اختلافاتی

بررسی انشعاب در...

که بخش "اقلیت" در این زمینه با "اکثریت" دارند (هرچند سطحی) میباشند و طبیعی است که نسبت به آن نمیتوان بی- تفاوت ماند و از آن در همین سطح نیز استقبال نکرد.

در زمینه برخورد به مسائل داخلی، اگر "اکثریت" سازمان چریکهای فدائیان خلق گرفتار شورویست است به شکل دسلا له روی از بورژوازی ملی و حربه-سورژوازی است و مصالح انقلاب را فدای این قبیل دسنة بندی ها می- نماید، "اقلیت" نیز به سمت دیگر این اپورتونیسیم در غلطیده، با اتخاذ مواضع و تحلیل های چپ نمایا- ن (از قبیل همان مواضع و تحلیل های که متاسفانه در جنبش کمونیستی ما نیز رایج است) روی دیگر سکه-ای این اپورتونیسیم و انحراف از مارکسیسم-لنینیسم را تشکیل میدهد. اگر "اکثریت" در زمینه مبارزات ضد امپریالیستی و مسائل انقلاب دموی- کراتیک و ضد امپریالیستی، کرنش در برابر سورژوازی و خرده بورژوازی را پیشه کرده، زیر عنوان حمایت از مبارزات ضد امپریالیستی جاری و حمایت از بخشی از هیئت حاکمه در این مبارزات، دنیا له روی از این بخش در برابر دیگران و یا حتی جبهه بندی بر اساس تضاد میان بنی صدور "حزب جمهوری اسلامی" پیشه کرده و

سلیم در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی را در عرصه جهانی به تسلیم در برابر سیاست های حزب نوده در داخل کشور تعمیم داده و این دورا با هم هماهنگ

موقعیت حساس و بحرانی جنبش کمونیستی ایران جلب نما- شیم و هندا ردهیم که اگر چه سریع رفتاری اساسی به حال این جنبش و معضلات آن صورت نگیرد، آینده ای بس ناس- مطلوب تر از اوضاع فعلی در انتظار ما خواهد بود. گفته میشود که بحرانی سیاسی- تشکیلاتی دامنگیر بسیاری از گروه ها و سازمان های جنبش ما گردیده و مجادلات داخلی بر سرپا سخگونی به مسائل مقابله ای انقلاب و جنبش ما بالا گرفته است. این هم خوب است و هم بد. خوب است از این لحاظ که این بحران، ضعف و درماندگی انحراف چپ نما- یانه غالب بر جنبش کمونیستی ایران را درپا سخگو- ثی به معضلات مقابل پایش، چه در سیاست و چه در تشکیلات نشان داده، سؤال مربوط به راه گشائی از این بن بست را در فکر بسیاری از کارمندان و اعضای این جنبش مطرح ساخته و شرایط را برای غلبه بر این انحراف مساعدتر نموده است. و بد است از این لحاظ که تمایل به خارج شدن از یک انحراف و در غلطیدن به انحراف دیگر وسیعا موجود بوده و در نتیجه قادر نیست به این بحران از لحاظ پایهای پایا ن دهد و گرچه ممکن است برای دورا ن کوتاهی خود را فارغ از آن بیندارند، لاکن پس از گذشت مدت نسبتا کو- تاهی دوباره به همین سئوالا ت مروزی با زخوا هند گشت و بر دامن این بحران خواهد افتاد. به این دورا ن تسلسل با پیدایا ن داد. ما بررسی ای- انشعاب برادرشماره های آینده "حقیقت" ادامه خواهیم داد.

متن تلفنگرام شورای اسلامی پرسیزیون به رئیس جمهور در مورد عدم پرداخت ۶۰ روز حقوق کارکنان بنام خدا تهران: دفتر رئیس جمهور آقای بنی صدر شورای اسلامی پرسیزیون به اطلاع میرساند که دوماه است که حقوق کارکنان که ۱۸۰۰ نفر هستند پرداخت نشده است و به کلیه قرار- دادهای ما که با مقامات مسئول بسته شده اصلا تو- جهی نشده است و کارگزاران شرکت کا ملا در مضیقه هستند و کنترل آنها سخت مشکل گشته است.

با توجه به اینکه دستها- بی در کار است که کلیه اقدامات اسلامی ما را بی اثر ساخته است از شما میخواهیم که مجریان قانون را بوظایف خود بخوانید و هشدار دهید- هم که عواقب و پیشآمدهای بعدی بعهده هیئت مدیره و مجری طرح و دیگر مقامات مسئول است که در کار ما توطئه میکنند و باعث تحر- یک، درگیری و تشنج در این شرایط حساس میگرددند. شورای اسلامی پرسیزیون

کمک های مالی خود را بهر طریق ممکن ارسال نمایید

در تکثیر و پخش حقیقت ما را یاری دهید

چماقداری باید از صحنه کارخانه و اجتماعات کارگری ناپدید شود

را نه و قاطعانه هر حرکت چماقدارانه را در عرصه جا معه محکوم کرده و زهرگونه گسترش آن به درون کارخانه ها و اجتماعات کارگری جدا جلوگیری نمایند. منظور و مقصود سردمداران چماقداران که حتی در بالاترین مقامات دولتی لایحه کرده اند از این اعمال کشیف، رودر و قرار دادن مردم و زحمتکش است تا بتوانند از آب گل آلود ما هی بگیرند، نیروهای مبارز و انقلابی را نابود کنند و تشکیلاتهای کارگری را از بین ببرند. کارگران مبارز باید بدانند که سکوت در مقابل این گونه حرکتها در عرصه جا معه باعث خواهد شد که نیروهای ارتجاعی گستاخ شده و این حرکت فاشیستی را بهمه زمینها گسترش دهند. کارگران مبارز باید بدانند که حرکتها چماقدارانه بهترین پوشش برای عناصر و عوامل ساواکی و ضد انقلابی می باشد. بنا بر این سکوت در مقابل اینگونه حرکتها چماق دارانه، عملاً سکوت در مقابل مرتجعین و ضد انقلابیون در لگدمال کردن دستاوردهای انقلاب است. کارگران مبارز از گسترش این شیوه کشیف و فاشیستی به کارخانه ها و اجتماعات جلوگیری کنید! علناً و صریحاً بر علیه هرگونه چماقداری در عرصه جا معه بپای خیزید و آن را محکوم کنید! این یک وظیفه انقلابی است!

از بعد از قیام مهرشکوه بهمن ۱۳۵۷، عده ای بنام "حزب - الله" به چماقداری مشغول شده و با کشیف ترین شیوه های ممکن بر علیه آزادی های سیاسی و اجتماعی بدست آمده در طول انقلاب به تاخت و تاز مشغول شدند. عده ای معلوم الحال که در پی قبضه کردن همه چیز در جا معه هستند به این کارهای فاشیستی پرداختند و این اعمال کشیف را به "مردم" و "زحمت - کشان" نسبت دادند. (مثلاً میتوانید به شماره های مختلف روزنامه "جمهوری اسلامی" نگاه کنید که چگونه از این عده به دفاع پرداخته اند)

اخیراً، چماقداران و بیشتر بنان سیاسی آنها در بالاترین مقامات دولتی و کشوری، جاسارت را از چرخ کسری و حتی به اجتماعات کارگری نیز حمله را آغاز کرده اند. بهترین نمونه آن در جریان تشکیل پنجمین کنگره "اتحادیه سراسری شوراها"ی اسلامی انقلابی کارخانجات و شرکتها و وابسته به سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران" اتفاق افتاد، که چهار نفر چماقدار، با صلاح "کارگر"، بهائیان تجمع نمایندگان بیش از ۳۰ کارخانه در سراسر ایران، حمله کرده و تعداد مهمی را شاندن آن را داشتند.

کارگران مبارز باید این شیوه کشیف را طرد کرده و صریحاً و علناً علیه آن برخیزند. کارگران مبارز باید هوشیار -

شوراهای...

این بار، وزیر صنایع و معادن، محمود احمدزاده، نیز در این توطئه شرکت داشت. این امر نشان میدهد که توطئه های پی در پی علیه شوراها و کارخانجات و شرکتها - سازمان گسترش به طور خاص، و شوراها و کارگری بطور عام، یک سیاست عمومی دولت میباشد، و کارگران مبارز و شوراها و کارگری باید در مقابل آن به سختی مقاومت ورزند.

وزیر صنایع و معادن، محمود احمدزاده، در "دستور" خود مبنی بر "انحلال" اتحادیه شوراها می گوید "از آنجائی که اتحادیه شوراها و سراسری آن سازمان در اداره امور واحدها دخالت نموده و این دخالت موجب رکود کار و لوث شدن مسوولیت ها شده... لذا... اتحادیه شوراها و آن سازمان قوت قانونی نداشته و نمیتوانند انحلال آن را اعلام فرمائید". جناب صدراعظم که دشمنی خود را در طول چند هفته گذشته با "اتحادیه سراسری" بطور بارز نشان داده بود، آنرا فوراً طی یک اطلاعیه که در روزنامه جمهوری اسلامی ۲۶ خرداد به چاپ رسیده است، انحلال "اتحادیه شوراها... می کند.

اولاً - کارگران مبارز و بخصوص کارگران شرکتها و کارخانجات سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران باید از این مثال و مثالهای دیگر در برابر تشنه های سراسری از

طرف مقامات دولتی و پایدی آنها در کارخانجات بر علیه شوراها و کارگری به پیش برده میشود، و آگاهان و هوشیاران میبایست از شوراها و خود در مقابل این توطئه ها محافظت کنند. "بها نه" های مختلفی برای آغاز و پیش برد این توطئه ها مورد استفاده قرار میگیرد که کارگران باید در مقابل آنها هشیار باشند، مانند این "بها نه" آقای وزیر صنایع و معادن که گویا "اتحادیه سراسری شوراها" باعث "رکود تولید" و "لوث شدن مسئولیتها" شده است. همین "بها نه" را صدر، مدیرعامل سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران در دستگیر شده در جریان برگزاری پنجمین کنگره "اتحادیه سراسری" علم کرد، ولی بعلمت عدم داشتن هرگونه مدرکی نما - یندگان آزاد شدند.

ثانیاً - کارگران مبارز و بخصوص شوراها و کارخانجات و شرکتها و سازمان گسترش میدانند که "اتحادیه سراسری" یک تشکیلات بروی کاغذ نیست که بتوان آنرا با یک حکم کاغذی که بطور دیکتا تور منشا نه صادر شده است "منحل" اعلام کرد. اتحادیه سراسری شوراها و سازمان گسترش، و شوراها و وابسته به آن از دل مبارزه کارگران بدرآمده، و با مبارزه کارگران آبدیده شده است و بیدی نیست که به این بادها بلرزد. مطمئناً شوراها و تبعه این اتحادیه سراسری محکم و استوار در مقابل این توطئه کاغذی و از بالا در شده نیز خواهند ایستاد و آن را درهم خواهد شکست. بهمانگونه که در جریان برگزاری پنجمین کنگره "اتحادیه سراسری" در مقابل چماقداران آقای صدر بقیه در صفحه ۸

محمد رضا جمالی

ساواکی دیروز، مامور کمیته امروز!

ردیف	نام	نام خانوادگی	فرزند	شناسنامه	تولد	ش	رمز اسم رمز
۱۲	محمد رضا	جمالی	حسین	۲۴۹۲	۱۳۳۲	۱۴۴۵۳	فرگام
۹۹	محمد رضا	جمالی				۱۴۴۵۳	

به نقل از صفحه ۹۸ "معرفی قریب ۸۰۰۰ ساواکی" از انتشارات "اتحادیه کمونیستهای ایران"

که: " شما بیهوده خودتان را خسته میکنید. من فردا آزاد خواهم شد و خدمت همه شما خواهد رسید. " جالب این که در بازرسی بدنی که این مزدور دیروز ساواک و مامور ضربت امروز کمیته بعمل آمده است، بریده‌هایی از روزنامه‌ها و نشریات ساواکی لیست ۸ هزار ساواکی را " مخدوش " اعلام کردند به دست آمد، ظاهراً این ساواکی آن " مدارک " را همیشه با خود حمل میکرده تا هر جا مردم او را متهم به ساواکی بودن کردن فوری آن " مدارک " را که " مخدوش " بودن لیست را " ثابت " می نماید ارائه دهد. از همین جا میتوان فهمید که " رهبران فدائی " و سایر گروه‌هایی که به تبعیت از آن " رهبران " لیست ۸ هزار ساواکی را مخدوش اعلام کردند ناگاهانه چه خدمتی به تطهیر ساواکی های مزدور که دولت جمهوری اسلامی " هم اکنون بسیاری از آنان را به خدمت گرفته است نمودند. آیا وقت آن نرسیده است که این سازمان نسبت به موضع نادرستی که در مورد لیست ۸ هزار ساواکی اتخاذ کردند از خود انقاد نمایند.

یکی از ساواکی‌هایی که نامش در لیست ۸ هزار ساواکی منتشر شده از طرف اتحادیه کمونیستها آمده محمد رضا جمالی است. این ساواکی دانشجوی دانشکده دامپزشکی تهران است که پس از قیام بهمن ماه مانده بسیاری از ساواکی‌ها و عنای صرمشکوک دیگر رنگ اسلامی خود گرفتند و در کمیته‌ها و دیگر ارگانهای جدیداً سیس " جمهوری اسلامی " را جازندند. بعد از انتشار لیست ۸ هزار ساواکی، دانشجویان دانشکده دامپزشکی نیز مانند سایر توده‌های که در سازمانها و موسسات دولتی خواهان تصفیه ساواکی‌ها در ادارات و سازمانهای خود شدند، اینان نیز از مقامات دانشکده خواهان اخراج محمد رضا جمالی و دیگر همکاران ساواکی‌اش از دانشکده دامپزشکی شدند. اما مقامات مسئول دانشکده با وجود اینکه خود اعتراف نمودند محمد رضا جمالی مامور ساواک بوده و چندین سال کارش گزارش دهی و معرفی دانشجویان میا رزبه ساواک بوده است، از اخراج این ساواکی خودداری کردند، تا اینکه دانشجویان خود را " ساواکی " این ساواکی را که مسلح نیز بوده است (البته این بار کمیته او را مسلح کرده است) دستگیر و پس از بازجویی او را تحویل سپاه پاسداران می دهند. اما پس از ۲۴ ساعت آزاد میگردد، هنگامیکه پاسداران او را میبردند خود هم به دانشجویان گفته بود

تاریخ: ۱۳۳۲/۱۱/۱۱ شماره: ۱۴۴۵۳
انتظامات انقلاب اسلامی
 شعبه مسجد خویی
 نام: محمد رضا جمالی
 شناسنامه: ۲۴۹۲
 شماره املحه: ۱۴۴۵۳
 مهر هیئت



توجه: از تیراندازی هوایی بدون دلیل حتماً خودداری کنید و در صورت تیراندازی پرگه آرا همراه با دلیل تیراندازی به هیئت اطلاع دهید.
 در صورت سرقت میتوان در مواضع لزوم برای گناهان و منافع دیگر به تائید آن نگهبانان ثابت حق توك گرفتن سنگین را دادند.
 دفتر مسجد خویی

کمک‌های مالی خود را بهر طریق ممکن ارسال نمائید

شماره: ۱۱۰۳۹۰
 دادسرای انقلاب اسلامی مرکز

برود د...
 ۹۰۴۴۴

توطئه‌گری آیت - حزب جمهوری...

نیا بیدیکی گرفت، در واقع تن دادن به همین سیاست و سازش را نشان میدهد و چنین می - پندارند که اینک امتیازی به دست آورده و خوبست از چنین موضعی سازش کند. او میگوید که در شورای انقلاب "میشاق وحدت" بسته اند. از این "میشاق" ها قبلا نیز یکبار به "تکلیف شرعی" خمینی بسته شد، لکن، چند هفته ای نگذشت که از هم پاشید و این میشاق جدید نیز سرنوشتی بهتر از آن نخواهد داشت و در آینده بشکل دیگری پاشیده خواهد شد. کمونیست ها و کارگران

آگاه، در عین اینکه نباید نسبت به این مبارزه ها و سازش های تفاوت باشند، به هیچ رو نباید آنها را امید بندند و از این جدال ها انتظار تحولی اساسی را داشته باشند. ما هیت طرفین این دعوا، جدال ها و سازش ها را به همراه اردو شک نیست که هر یک میخواهد تا مردم را نیز در این کشاکش بدنیا ل خود بکشاند، کشیده شدن بدنیا ل این صف بندی ها و حرکت بر این اساس، معنایی مگر افتادن به کوره راه ندارد و باید از آن بگریزد.

جاودان باد خاطر شهید

شهرام امینی

بقیه از صفحه ۱۲

خط بطلانی کشید، ابرج و شهرام بدست مزدوران چماق بدست و مرتجع، آنها ئی که به تظا - هرات ها و گرد هم آئی ها حمله میکنند و سرخشان در دست محافل بالائی در هیئت حاکمه میباشند، به شهادت رسیدند و ورق سیاه دیگری را به کار - نامه جنایت این داور دسته - های مزدور و افزودند و خون پاک خود را تا زاندامه - انقلاب و سر بلندی و پیروزی مردم ما ساختند. ما شهادت شهرام امینی را به زمانه - گان او تسلیم میگوئیم و مطمئن هستیم که این خونهای پاک بی قصاص نخواهد ماند و مردم شرافتمند و آزادیخواه ما کواچا زه نخواهند داد تا مسببین واقعی این جنایت بی مجازات بگذرند. جاودان باد خاطر همه شهیدان خلق - سر بلندیاد نام شهید شهرام امینی!

شوراهای کارگری تحت حمله

ایستادگی کردند. ثا لثا - کارگران باید از این نمونه، و نمونه های مشا به درس بگیرند که مقامات دولت کنونی با همه ادعاهای مسخره شان در مورد حمايت از کارگر و دهقان و "مستضعفین"، نه تنها در فکر کارگر و دهقان نیستند، بلکه همیشه در فکر توطئه - چینی بر علیه آنان میباشند. ببینید چگونه وزیر صنایع و معادن بدون هیچگونه تحقیق و بررسی و فقط بر مبنای گفته صدر، که ضد کارگر بودن خود را ثابت کرده، اتحادیه سراسری را منحل اعلام میکنند و بدان تهمت "اخلال در تولید" و "لوٹ شدن مسؤلین" را می بندند. کارگران مبارز، شوراهای کارگری، از دستاورد انقلاب، از شوراهای کارگری خود در مقابل توطئه چینی دفاع کنید!

رانندگان ... سخن می گویند

بعطت فرسوده شدن وسائط نقلیه این پیمانکار حدود ۴۰ تا ۵۰ دستگاه از ماشین ها خراب شده اند و شرکت نفت و سرما بیدار (درخشان) هیچکدام این ماشین ها را تعمیر نکردند. در نتیجه تعداد زیادی را تشنه بیکار رده اند. الان حدود ۴ ماه است که تعداد زیادی را تشنه بیکار هستند و شرکت نفت بجای اینکه خودش بجای این ماشین ها ماشین دیگری بگذارد و این را تشنه ها روی این ماشین ها کار بکنند، اینکار را نکرده و این فقط بخاطر ضربه زدن به کارگران است و مسئولان کار را ز، آفای شرفی و آفای حیدری آمده اند تعداد ۱۶۰ دستگاه ماشین شخصی گرایه

کرده اند که بجای این کار - گران کار بکنند. آیا هدف این ها چیست، این عوامل ارتجاع جز ضربه زدن به کارگران هیچ چیز دیگری نمیخواهند. ما کار - گران در حال حاضر سرگردان هستیم و نمیدانیم حق خود را از کی باید بگیریم. همه مسئولان میگویند جریان شما با شورای انقلاب است و شو - رای انقلاب هم نمایندگا - نشان در کارگاه ها است و ما بخوبی میبینیم که برای ما کاری نمیکند.

- تعدادی از کارگران پیمانکاری درخشان - آغا جاری

حقیقت

ارگان اتحادیه
گمونیستهای ایران
را بخوانید و پخش کنید

مبارزه کارگران

(بقیه از صفحه ۱۱)

بسیار چشمگیر بود و آنان همدوش برادران کارگر خود علیسه سرمایه داران در تحصن شرکت کرده بودند. (البته عده ای از طرف کارگران به تهران رفته بودند تا با وزیر کار مذاکره کنند و طبق معمول اینان هم کاری از مذاکره از پیش نبردند و تا شیری در مبارزات نداشتند.)

تهدیدها مرتب افزایش میافت محل تحصن، اداره کار، توسط کمیته چپها محاصره شده بود. هلی کوپتر هوانیروز مرتب در فاصله پانزده دور میزد و کارگران قاطعانه فریاد اعتراض خود را بلند کرده بودند، بلاخره ظهر فرماندار مجبور به حضور در حیاط اداره کار شد. ناگفته نماند که ایزدی رئیس اداره کار توسط کارگران قهرمان مجبور شد که شب در اداره کار باقی بماند و او را به گروگان گرفتند و تا قول کتبی در باره پرداخت حقوق معوقه ندادند از آذین نکردند. در روز موعود ایزدی و فرماندار شهر را ترک کرده بودند، کارگران عصیان جلیوی اداره کار جمع شده بودند و بسوی فرمانداری تظاهرات مستحکمی را سازمان دادند. بیش از ۴۰۰۰ نفر فریاد میزدند " پول - کار - سندیکا ". طبق معمول سروکله یکسی از روحانیون پیدا شد و سعی در خاموش کردن مبارزه کارگران داشت وقتی مروی صحبت میکرد کسی گوش نمیداد دومرتب شعار میدادند.

این حرکت کارگران قادر شد حقوق عقب افتاده و محل برای سندیکا را بعنوان دستاورد بیه همراه داشته باشد، سندیکا و شورای مؤسس سندیکا بعلل گوناگون از جمله خرابکاری های عناصری همانند " دهقان " و " قیاسی " وضع درونسی خود عنا صرفعال سندیکا و ... موفقیت چندانی نداشت.

دوباره شرکت پرسیزیون بکار افتاد اما بیش از ۲۵۰ نفر از کارگران این شرکت بیکار شدند. اینبار کارگران با آگاهی بالاتر در داخل شرکت به مبارزه ادامه میدهند، کارگران دیگر مثل سابق نبودند آنها یکدوره مبارزه را پشت سر نهاده بودند و آبدیده شده بودند. آنها مبارزاتی در مورد وسیله نفلیه، افزایش دستمزد و غیره را سازمان دادند و ... شورای شرکت پرسیزیون توسط کارگران بنام شورای اسلامی کارگران تشکیل شد. این شورا مرکب از شورا های کارگاهی بود که در آن تعداد ۲۹ نفر عمده تا " از کارگران مبارز و آگاهی بودند شرکت داشتند.

این شورا توانسته مبارزات و نمایشات قدرت بخشی از توان طبقه کارگر را به نمایش بگذارد. پشتیبانی سیاسی از حرکت حق طلبانه دیپلمه های بیکار، شرکت در تظاهرات هرات اول ماه مه (روز کارگر) و ...

امروزه هم که از گوشه و کنار رنغمه تعطیل شرکت بگوش

میرسد شورای شرکت پرسیزیون اقدام به تحصن در فرمانداری نموده است تا این توطئه ضد کارگری و ضد انقلابی را خنثی کند. اخیراً در تظاهراتی که شورای پرسیزیون برای مطلع ساختن مردم از خواسته های خود سازمان داد، از مقابل مسجد جامع تابشگاه ایران راهپیمایی کردند و شعارهای خود را بگوش مردم زحمتکش رساندند. مردمی را که این طبقه تا به آخر انقلابی میخواستند بنیال شعارها بکشند و دست امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم آمریکا و مرتجعین وابسته به آنها را قطع کنند. این تظاهرات و راهپیمایی از استقبال مردم زحمتکش، بیکاران و دانش آموزان برخوردار شد و همه در اطراف جاده در حمایت از کارگران برافزادند. برخی از شعارهای تظاهرات چنین بود:

- ۱ - دوما حقوق کارگر پرداخت باید گردد.
- ۲ - اتحاد - اتحاد کارگران اتحاد علیه امپریالیسم.
- ۳ - اتحاد تشکیلات کارگران.
- ۴ - شورا، شورا سنگرزحمتکشان.
- ۵ - مرگ بر آمریکا - مرگ بر آمریکا.
- ۶ - افزایش دستمزد به نسبت تورم پرداخت باید گردد.
- ۷ - سرمایه وابسته ملی باید گردد - صنایع وابسته ملی باید گردد.
- ۸ - ماده ۳۱ الفاء باید گردد.

(توضیح - ماده ۳۱ حق اخراج به کارفرما به هر دلیلی که بخواهد، میدهد.)

در پایان قطع نامه ای خوانده شد که از جمله حرکت کشتار روحیانه سیاهان آمریکا توسط امپریالیسم آمریکا محکوم گردید.

شورای کارگران پرسیزیون هنوز در حال تحصن است و پنج نفر از میان خود را برای رسیدگی به وضعیت شرکت و حقوق کارگران به تهران فرستاده اند، این تحصن طبق اعلام خود آنها تا رسیدن به خواسته های سه گانه ادامه خواهد داشت و از پشتیبانی قاطع کارگران شرکت برخوردار است. کارگران پرسیزیون فقط ۲ ماه حقوق را نمیخواهند بلکه روشن شدن وضع شرکت را هم میخواهند که این بعد با اعلام ملی نمودن شرکت توسط شورا و گرفتن کنترل آن بدست شورای پرسیزیون می تواند با استفاده از ۲۵۰ کارگری که رسیده این شرکت حمایت و پشتیبانی آنان را نیز جلب کند.

این عمل چنانچه انجام پذیرد قدرت بخشی از طبقه کارگر را در مبارزه بر علیه سرمایه داران و کنترل دست رنج خودشان را در گوشه ای دیگر از کشورمان نشان داده است. مبارزه همچنان ادامه دارد.

" شورا های کارگری کانونهای مبارزه ضد امپریالیستی کارگرانند. حمله به شوراها حمله به مبارزه ضد امپریالیستی کارگران است. "

درود بر کارگران قهرمان و مبارزان پرسیزیون.

* متن تلفن گرامش شورای اسلامی پرسیزیون به رئیس جمهور در مورد عدم پرداخت ۶۰ روز حقوق کارگران در صفحه ۵ آمده است *

رانندگان...

سخن میگویند

بقیه از صفحه آخر.

که اگر به من اجازه بدهند... بلیدکوبدسب میگیرم مسل آقای جننی در اواز، و مردم را بر علیه شما به شورش می - طلبم و شما ها ضد انقلاب هستید و حتی جلوی کارگران اظهار نمود که بنده دوستی دارم از لره های اطراف یک... تا سیاست نفتی (دره نی) که آنجا سکونت دارم میتوانم ۵۰ نفر مسلح آورده و شما ها را سرکوب کند! ببینید عوامل ارتجاع چکار میکنند، این فرد درگا را شرکت نفت جلوی حدود ۶ نفر کارگران این پیمانکاری این حرفها را زده است و در ضمن اظهار نمود که شما کارگران از عزالدین حسینی در کردستان دستور میگیرید، این آقای جنین تهمت های بی جا چه نتیجه ای میگیرند؟ برای ما مشخص است که جز سرکوبی کارگران هیچ هدفی ندارد.

تا اینکه امروز شبیه ۵۹/۲/۳ تعدادی زیادی از کارگران برای حق خود در گاراژ شرکت نفت اجتماع کرده اند. با زهم مسئولان گاراژ شرکت نفت جواب سر - بالا به کارگران دادند. و آقای حیدری گفتند ما می - خواستیم برای شما کاری بکنیم ولی چرا شما روزهای قبل تحصن کردید و نما بینده برای خودانتخاب کرده اید و به احوال فرستادید و با روسای شرکت نفت بی احترامی کردید و ما هم بخاطر انتقام از کارهای شما هیچ کاری برای شما نمیکنیم. آقای حیدری این اظهار را در اطاق اداره خود جلوی حدود ۲۰ نفر کارگر گفتند که خود من هم شاهد بودم. حتی آقای شرفی رئیس گاراژ شرکت نفت در محوطه گاراژ به کارگران گفتند: اگرخواستید رختخواب بیاورید و اینجا بخوابید هیچ فایده ای ندارد.

شورای کارگری ما که حامی سرمایه دار، آقای درختان است، فقط منافع سرمایه دار را در نظر میگیرد و حق کارگران را ندیده میگیرد و با رهها دزدی های آنها جلوی کار - گران افشاء شده ولی اثر نکرد، و عاملین افشگری را ضد انقلاب دانستند. ما کارگران وقتی دیدیم که شورای کار - گری کاری برای ما نمیکنند خودمان برای خود نما بیند. گانی انتخاب کردیم و به جلو فرستادیم ولی متاسفانه مسئولان امر این نمایندگان را غیر قانونی و ضد انقلاب دانستند و تهمت های زیادی به آنها زدند بخاطر این که آنها حق کارگران را می - خواستند و ضد انقلاب دانستند. بعنوان مثال آقای مظفر حیدری یکی از مسئولان اداره حمل و نقل آغا جاری کسه جریان کار ما به ایشان مربوط است روز چهارشنبه مورخ ۲۵/۲/۵۹ که تعدادی زیادی از کارگران دست به تحصن زده بودند و درگا را شرکت نفت اجتماع کردند همین شخصی که آقای حیدری باشند، که یک فرد ضد کارگراست، بی نهایت ناراحت شدند و کارگران را تهدید به اخراج از سرکار کرد. همین شخص اظهار نمود

ادامه دهد، وظیفه نیروهای انقلابی است که این توطئه "سکوت" را به هر قیمت و به اشکال گوناگون درهم بشکنند. تظاهرات موفقیت آمیز با - دان گامی در این جهت بود. - پیرو زبا دمبارزات بحق مردم کردستان -

راهپیمائی...

بقیه از صفحه آخر.

صف تظاهرات که از قبل پیش - بینی این یورش را کرده بود، آگاهانه و با برنامه متفرق میشود و نیم ساعت بعد در جای دیگری متشکل میگردند. در جریان این یورش پاسداران بسمت جمعیت گازاشک آور پرتاب کردند و یکی از هوا - داران سازمان را به زیر مشت و لگد گرفتند. کارگران ساکن محل به حمایت از تظاهرات کنندگان برخاستند و در ب اکثر منازل بروی آنها باز بود تا از حملات پاسداران مصون بمانند.

یک ساعت بعد تظاهرات در قلب شهر اوزنزدی - کئی سینما خورشید دوباره آغاز شد و بسمت سینما رکس و محل تحصن بازماندگان فاجعه سینما رکس حرکت کرد. صف تظاهرات این مسیر را دوباره پیمود و مورد استقبال عموم قرار گرفت. تظاهرات با موفقیت تمام در مقابل سینمای رکس به پایان رسید.

تظاهرات پیروزمند آبادان، گامی در حمایت از خلق بیچاره خسته کرد و قدمی در رساندن صدای برحق آنان به گوش مردم بود و استقبال مردم از آن بخوبی نشاندهنده تاثیرات مثبت آن میباشند. هیئت حاکمه میکوشد تا با خفه کردن صدای کردستان و جلوگیری از پخش اخبار واقعی پیرامون آنچه در کردستان میگذرد، مردم را در نا آگاهی نگهداشته و سرکوب و وحشیانه

در جریان آن دونفر از هوا - داران سازمان بجرم "نوشتن شعار" توسط پاسداران دستگیر شدند که چندی بعد آزادگشتند.

صبح روز را هیمائی را دیوی آبادان بمنظور تحریک مردم و جلوگیری از برگزاری این راهپیمائی شروع به پخش آکا دیسب و تحریک نمود و چنین وانمود کرده که "عده ای مسلح شکست - خورده در کردستان قصد ایجاد آشوب دارند" و از مردم خواسته شد تا ساعت ۵ عصر، یعنی یک ساعت قبل از شروع راهپیمائی در محل آغاز آن (ایستگاه ۳ کوی اتحاد (بازرگان)) تجمع کرده و از حرکت "ضد انقلابیون" جلوگیری نمایند. رفقای ما به منظور خنثی ساختن این توطئه، راهپیمائی منظم را به تظاهرات موضعی تغییر دادند و در ساعت ۷ بعد از ظهر همان روز با جمعیتی حدود ۲۵۰ نفر و با شعارهایی چون "کردستان کردستان، سنگر آزادگان" و "اتحاد - مبارزه پیروزی" از کوی کارگر پشت دبیرستان این سینما تظاهرات را آغاز کردند و پس از پیمودن مسیر کوی کارگر به محله های کار - گر نشین تا نکی دوم رفتند که با استقبال مردم آن ناحیه مواجه گشتند. حدود ۴۰ دقیقه پس از آغاز راهپیمائی پاسداران رسمی رسند و به صف تظاهرات حمله میکنند.

مبارزه کارگران ۰۰۰۰

(بقیه از صفحه آخر)

مبارزات فردی و پراکنده‌ای که در مقابل سرمایه داران زالوافت و کارفرمایان جان می‌گرفت خفه میشد، ساواک در نزدیکی شرکت قراردادت و در سرکوبی کارگران مبارز کوتاه می‌نمیکرد.

کارگران روزانه ۱۰ ساعت کار می‌کردند، حقوق اضافه کاری با اندازه همان حقوق ثابت پرداخت می‌گردید، ایمنی در محل کار نبود و بهداشت وضع اسفناکی داشت بعضی از روزها از یک وانت با ربه عنوان آمبولانس استفاده میشد، چنانچه کسی در محل کار دچار حادثه میشد هیچگونه تضمینی نبود که صاحبان و مدیران شرکت حق بیمه به کارگران بدهند. ایمنی وضع همچنان ادامه دارد. حقوق اولیه کارگران روزانه بین ۱۴۰ تا ۱۰۰۰ ریال بود و اکثراً "بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ ریال حقوق می‌گرفتند. مثلاً هنوز کارگرانی در این شرکت بودند که روزانه ۲۵۰ ریال دستمزد داشتند یکی از خواسته‌های کارگران این شرکت که در راهیما می‌ها فریاد می‌زنند " افزایش دستمزد به نسبت تورم پرداخت با ید گردد " بود. وضع روزگار عیارت بود از ۶ روزگار ۴۸ ساعت در هفته که گاه به ۵ تا ۶ ساعت نیز میکشید و هنوز هم همینطور است، کارگران برای هر روزگار ۸ ساعت هر هفته ۴۰ ساعت مبارزه میکنند.

کارگران این شرکت اکثراً "فصلی هستند یعنی رابطه خود را با داده هنوز قطع نگرده اند و در فصل کاشت و برداشت موقع درواز تعطیلات استفاده میکنند و به دهات خود که در اطراف مسجد سلیمان قرار دارند می‌روند و بروی تکه زمینی یا بسترای خود یا بمرورت مزدبیری کار میکنند. بخاطر این بودن سطح آگاهی کارگران، مبارزه در این شرکت در دوران قبل از قیام رشد چندان نبود و حداکثر به یکی دو مبارزه اعتراضی و لسی پراکنده به وضع ایاب و ذهاب و یا ساعت کار خلاصه میشد.

با رشد جنبش کارگران این شرکت نیز در دوران قبل از قیام دست به تظاهرات مستقل کارگری زدند. بعد از قیام بهمن ماه ۵۷ و بدنبال بیکار شدن عده‌ای بالغ بر ۴۰۰۰ نفر از کارگران این شرکت از مهر ماه به این طرف مبارزه در بین کارگران این شرکت اوج بیشتری گرفت.

بیکاری که مانده کار بوسی خود را به کارگران زحمتکش و ستمدیده نشان میداد از مهر ماه ۵۷ تا فروردین ۵۸ حدود ۸ ماه بود که کارگران شرکت پرسیزیون بیکار شده بودند، مدت قبل از قیام را کارگران قهرمان برای رهائی از یوغ هرگونه نهوا بستگی به مبریا لیس و رهائی از قید استبداد آن وضعیت پر رنج را با بی کاری و بی پولی تحمل نمودند و به حساب اینکه پس از آن جا معد دستخوش تغییرات بنیادین خواهد شد دیگر نا برابری وجود نخواهد داشت، دیگر فقر و فلاکت و بیکاری

بسیار غشان نمی آید، آری به خاطر همین مسائل چنان بسا شرکت پرهیبتشان در جنبش بر آن قوت بخشیدند. اما!! بعد از قیام هم‌کامان کارگران بیکار رهرو زلفشان در جا معه طویل تر و صف کارگران شاغل کمتر میشود. این بود که کارگران پرسیزیون همچون دیگر زحمتکشان میهنمان خود دست بکار شدند و دریا فتند که خود را بدب فکر خود را بشند. پس از چندین بار تجمع در جلوتشکیلات شرکت و شنیدن وعده و وعیدها از کسانیکه هم‌اند قریانی (روحانی) رئیس کمیته وقت دیگر کارگران کلافه شدند و خود را راه افتادند.

در روز ۱۶ اسفند بود که کارگران پس از یک تجمع در شرکت و حضور افراد کمیته و تیراندازی هوایی خشمگین شده و اسفند کمیته را در دنبال کردند و قصد دستگیری آنها را داشتند.

آنها از اینکه ضمن پرداخت نکردن حقوقشان از تجمع - شان نیز جلوگیری میشود به خشم آمده بودند. البته نتوانستند در همان موقع ما مور کمیته را دستگیر کنند. اما با همان حال و با مشت های گره کرده از خشم به طرف مرکز شهر راهیما می‌کردند. کارگران قهرمان و خشمگین از ظلم سرمایه داران حدود ظهر به مرکز شهر رسیدند و در آنجا پیل نمره یک (که تنها راه عبور شهر از یک طرف به طرف دیگر است) را با تحمیل بستند و سپس به جلوی کمیته رفتند. در آنجا نیز وعده داده شد اما به شکل جدید. کارگران بعلت نداشتن یک بررسی از حرکت مبارزاتی خود نمیتوانستند از تجربیات قبلی استفاده کنند و در کار کنند که وعده‌های پرطمطراق زیاده‌اشند. اما دیگر این کارگران جانشان به لبشان رسیده بود.

در اردیبهشت ۵۸ در گوشه و کنار شهر قرار تجمع خود را به اطلاع همشهریان میرسانند و مردم را به پشتیبانی دعوت می‌کنند.

قراری که روز پنجشنبه جلوی اداره کار و امور اجتماعی بود. در آن روز کلیه کارگران پرسیزیون برای روشن شدن قطعی وضعیت مصمم مابسی برنامه جمع شده بودند. در آنجا بحث فقط بحث کارگران پرسیزیون بود. کارگران بیکار هم اعلام پشتیبانی کردند، کم‌کم این ایده که با ید برای احقاق خواسته‌هایمان فشاری بیاوریم و ایده تحمیل با گرفت و بسا موافقت اکثریت قاطع کارگران رو برو شد.

کارگران بیکار ضمن اعلام حمایت اعلام کردند ۱ - تا ایجاد کار برای کلیه کارگران بیکار شده ۲ - تا کسب حقوق عقب افتاده کارگران پرسیزیون ۳ - تا گرفتن محل برای سندیکیای بیکاران در کنار کارگران بیکار شده پرسیزیون دوشادوش مبارزه میکنیم.

ایزیدی رئیس اداره کار شروع به عوامفریبی نمود و مرتب آب توبه بر سر فرماندار " جوان " و " انقلابی " می‌ریخت.

در این مبارزه کارگران پرسیزیون آگاهی‌های فراوان پیدا کردند و دوستان (بیکاران و دانش آموزان و کارگران شاغل شرکت های دیگر) و دشمنان طبقاتی خود را که شرفی (فرماندار) ایزدی (رئیس اداره کار) کمیته چپ ها (قربانی و محملی و پاسداران نشان) باشند شناختند.

تحمیل به علت تعطیلی جمعه دوروز بعد ادامه یافت و قطعاً مه‌ای شامل سه نکته یا دهده بیرون دادند.

شرکت زنان کارگردان این مبارزه بقیه در صفحه ۹

جاودان باد خاطر شهید شهرام امینی

در تاریخ ۵۹/۲/۲۰ جسد شهرام امینی، دانش-آموز عضو "ستاد" که حدود یکماه پیش همراه با ایبرج امینی مفقود شده بود، رادر زیرسنگی در رودخانه زنگبار ماکوپیدا کردند و پورده از جنایت هولناک دیگری بر-داشته شد و جوانی دیگر به صف شهدای خلق و قربانیان

عامل این جنایت بوده است. پاسداران اعزامی و شهربا-نی از آن زمان شروع به پیگردوبیا جوی از عناصر مبارز و مشرقی شهر بردا ختند و بجای یافتن قاتلین به تفتیش عقاید و پرونده سازی اقدام کردند. توطئه ای را با توطئه ای دیگر دادا م-دادند و بیشترمانه برای ی-جنایت پرده پوشا نندند. در ۵۹/۳/۲۰ جسد شهرام نیز در همان رودخانه، در حالیکه بسبب فشا آب به زیرسنگی فرورفته بود پیدا شد و بر-اراجیف و قیحا نه آنها ئی که میکوشند حقایق برملا نشود بقیه در صفحه ۸

مشتی مزدور و مرتجع پیوست. ایبرج امینی و شهرام امینی، حدود یکماه پیش برای مرور دز و امتحانی به اطراف رودخانه زنگبار ماکورفتند و دیگری با زنگشتند. در روز شنبه ۵۹/۲/۲۷ جسدی جان ایبرج را که با ضربه شیئی آهنی به قتل رسیده بود و جسدش را به رودخانه انداخته بودند از آب گرفتند و از آن زمان از شهرام خبری نشد. آنها ئی که میکوشیدند به هر قیمت که شده برای این جنایت پرده کشند چنین وانمودکردند که شهادت ایبرج، یک "تصفیه درون گروهی" بوده و حتی چنین گفتند که شهرام

مبارزه کارگران قهرمان شرکت پرسیزیون

مدت ۱۵ روز است که شورای اسلامی کارگران پرسیزیون به نمایندگی ۱۸۰۰ کارگر شرکت با مطرح نمودن سه خواسته زیر در فرمانداری مسجد سلیمان متحصن هستند.

- ۱ - پرداخت دوماه حقوق کارگران شرکت.
- ۲ - روشن نمودن وضعیت شرکت.
- ۳ - آوردن مدیریت شرکت از تهران و محاکمه آنها در یک دادگاه مردمی.

شرکت پرسیزیون یک شرکت ساختمانی است که در مسجد سلیمان جهت ایجاد یک پایگاه هوا نیروی رتبه ضدخلقی شاه در زمان شاه سابق شروع بکار کرد. این شرکت که صاحبش غلامرضا بهلوی بود پس از پیروزی قیام و فرار راجانیان و جلادان این شرکت بدست دولت افتاد و توسط فرمانداری مسجد سلیمان کنترل میشود. از طرف دولت با زرگان شخص معلوم الحالی بنام "دهقان" بعنوان سرپرست شرکت تعیین شد.

این شرکت از بدو شروع کار خود به شکل بیرحمانه ای از کارگران کار میکشید و هرکاری که صدایش در میآمد فوراً توسط ساواک دستگیر میگردد و به این طریق بقیه در صفحه ۱۱

آبادان - راهپیمائی در حمایت از خلق بپاخاسته کرد

نیستهای ایران "صورت گرفت که با استقبال مردم آگاه و زحمتکش آبادان روبه روگشت. سازمان بمنظور برگزاری این راهپیمائی نخست با برخی از سازمانها و گروههای مترقی آبادان تماس گرفت، لکن با کمال تاسف از آنها پاسخی منفی شنید و در نتیجه مستقلا به پای برگزاری آن رفت. یکی دو روز قبل از راهپیمائی با بخش اعلامیه و تراکت و شعار نویسی در نقاط مختلف شهر به تبلیغ در این مورد پرداخته شد که بقیه در صفحه ۱۰

در روز دوشنبه ۵۹/۲/۱۲ راهپیمائی در حمایت از خلق بپاخاسته کرد در شهر آبادان توسط "اتحادیه کمو-

رانندگان پیمانکاری سید حسن درخشان زکنی وابسته به شرکت نفت آغا جاری سخن می گویند

شما با ما نیست. ماکارگران تاکنون چندین بابا روسای شرکت نفت در آغا جاری و اهواز به گفتگو نشستند ایمولی جز وعده چیزی ندیدیم. بقیه در صفحه ۱۰

بعد از قیام بهمن ماه ماکارگران بخاطر حق از دست رفته خود چندین بار دست به تحصن زدیم ولی تاکنون جز وعده دروغ چیزی نشینده ایم. شورای ضدکارگری همش بعد از قیام بهمن ماه ماکارگران بخاطر حق از دست رفته خود چندین بار دست به تحصن زدیم ولی تاکنون جز وعده دروغ چیزی نشینده ایم. شورای ضدکارگری همش